

مبین: در ابتدا از اینکه دعوت ما را پذیرفتید و در این گفتگو شرکت کردید، نهایت تشکر را از شما داریم. جای دارد به عنوان اولین سؤال، از شما بخواهیم، قدری راجع به تحقیقات و پژوهشهای قرآنی خودتان، برای ما صحبت بفرمایید.

استاد: از همان ابتدا، علاقه خاصی به علوم قرآنی، از قبیل قرائت و تجوید و تفسیر داشتم. سالهایی که تازه به حوزه علمیه قم، وارد شده بودم، دروس فقه و اصول و فلسفه و کلام، رایج ترین درسهای حوزه بودند. من هم مثل هر محصل دیگری، به همین علوم، مشغول شدم و قهراً از بحثهای قرآنی که مورد علاقه ام بود، دور شدم.

به خاطر دارم که در سال ۱۳۴۰ شمسی، در تبریز با کتابی به نام «تفسیر آیات مشکل قرآن» برخورد کردم. شیوه نادرست مؤلف در این کتاب، نظر مرا به خود جلب کرد. این برخورد و حساسیت، منشا و بهانه ای شد برای رجوع ما به مباحث قرآنی. اولین کاری که کردم، انتشار کتابی به نام «تفسیر صحیح آیات قرآن» در پاسخ به کتاب مذکور بود. این مسأله ما را ترغیب کرد که به بحثهای قرآنی، اهمیت بیشتری بدهیم.

محرک و مشوق دیگر ما در این باره، تأسیس مجله «مکتب اسلام» در سال ۱۳۳۷ بود، چون، نگارش بخش تفسیر این مجله به من واگذار شده بود و از آن زمان تاکنون که حدود ۳۵ سال می گذرد، هنوز این بخش بر عهده من است. علاوه بر آن در طی سالهای گذشته، تفسیرهایی به صورت موضوعی و سوره ای نوشته ام؛ از جمله تفسیر سوره های براءت (سیمای انسان کامل در قرآن)، لقمان (مربی نمونه)، حدید (قرآن و معارف عقلی)، حجرات (نظام اخلاقی اسلام).

کم کم متوجه شدیم که قرآن، نوع دیگری از تفسیر را لازم دارد، که از بعضی جهات مهمتر و کارآمدتر از تفسیر ترتیبی است. در تفسیر ترتیبی، مفسر از ابتداء سوره تا پایان آن را تفسیر می کند، در حالی که ممکن است در همین سوره، حدود ده موضوع یا بیشتر، مطرح شود. از طرفی موضوعات مطرح شده در یک سوره، امکان دارد در دهها سوره دیگر هم، طرح شده باشد. در تفسیر ترتیبی، اولاً تنوع و تعداد موضوعات



با پیشگامان قرآن پژوهی در عصر حاضر

گفتگو با آیت الله محمد سبحانی

مانع از این می شود که مفسر راجع به هر موضوع و مطلبی کامل بحث کند، ثانیاً چون تفسیر همان سوره مدنظر است، معمولاً یک موضوع در سوره مختلف، بررسی نمی شود. این بود که ما به تفسیر موضوعی روی آوردیم.

عامل دیگر که تفسیر موضوعی را پیش ما قوت بخشید، کار قرآنی علامه مجلسی (ره) در ابتدای ابواب بحار الانوار بود. ایشان در اول هر بابی از بحار، آیات مناسب با موضوع آن باب را جمع کرده و با استفاده از تفسیر «مجمع البیان» مختصری راجع به آنها، بحث کرده است. غیر از «مجمع» به تفسیر معروف «بیضاوی» هم نظر داشته است. این کار مجلسی (ره)، نوعی تفسیر موضوعی قرآن به حساب می آید و ایشان را باید طلایه دار این روش علمی دانست. البته تفسیر ترتیبی یا دوره ای، هم فوایدی دارد که شاید روش دوم، خالی از آنها باشد، اما این دو نوع تفسیر، مکمل هم هستند و هر دو ضرورت دارند.

شما ببینید، همه مذاهب و فرق اسلامی، خود را به قرآن منتسب می کنند و برای آراء فقهی و کلامی خودشان، از قرآن دلیل می آورند؛ قدریه، مفاوضه، مشبهه، خوارج و دیگران،

اگر ما بتوانیم در هر موضوعی آیات آن موضوع را یک جا جمع کنیم و یکی را قرینه دیگری قرار دهیم، قطعاً می توانیم به بخش عظیمی از این مناقشات، خاتمه بدهیم. البته اگر پیروان این مذاهب دنبال اعتقاد حق باشند و حقیقت را جستجو کنند.

اینها باعث شد که ما از سال ۱۳۴۸ یا ۴۹ شروع به نوشتن تفسیر موضوعی کردیم. هم به زبان عربی و هم به زبان فارسی. «مفاهیم القرآن» را به زبان عربی و «منشور جاوید» را به لغت فارسی منتشر کردیم. تا به حال هفت جلد از «مفاهیم القرآن» را به چاپ سپردیم و از «منشور جاوید» هم ده جلد به چاپ رسیده است، دو جلد دیگر هم در دست نگارش است.

در این تفسیرها، بیشتر آن بخش از موضوعات قرآن که مربوط به عقاید است، بحث شده اند. یک تفسیر موضوعی جامع، احتیاج به یک مجمع قوی و علمی دارد. یعنی باید یک گروه قرآن شناس و پرکار با هم بنشینند و یک تفسیر موضوعی جامع ارائه بدهند و افقهای تازه ای از قرآن به روی مردم بکشایند.

مبین: در مورد کارهای آینده که در نظر دارید، اشاره بفرمایید.

به عقیده ما، با استفاده از تفسیر موضوعی است که می توان این مشکل را حل و رأی و نظر قرآن را در هر زمینه ای بدست آورد

همه کتابهای خود را پر از آیات قرآنی کرده اند. مسلماً، همان طور که حق با یکی از آنهاست، قرآن هم یکی از این انبوه فرقه ها را، تأیید نمی کند. حق، بیش از یک چیز نیست و یک رای و عقیده است که قابل تصدیق است، نه بیشتر. حالا باید دید که این مذاهب با همه اختلافی که میانشان است، چطور همه به یک کتاب استناد می کنند.

به عقیده ما، با استفاده از تفسیر موضوعی است که می توان این مشکل را حل و رأی و نظر قرآن را در هر زمینه ای بدست آورد. چون معتقدین به جبر، مثلاً، آیات جبر را می گیرند و از آیه یا آیات اختیار غافل می شوند. قائلین به تفویض، آیات اختیار را می گیرند، از آیات مربوط به جبر چشم می پوشند. مشبهه و مجسمه هم به همین طریق عمل می کنند و از آیات تنزیه غافل اند.

در این صدسال اخیر توجه به قرآن زیاد شده است از اوایل قرن چهاردهم به بعد، جهان اسلام، توجه بیشتری به قرآن کرد

استاد: آینده را خدا می داند. سن ما نزدیک به هفتادسال است. اگر بتوانیم، همین کارهایی را که کردیم، تنقیح کنیم و نواقص آن را برطرف سازیم، کار بزرگی است. مبین: وضع تحقیق در علوم قرآنی را در عصر حاضر، خصوصاً در میان مراکز شیعی چگونه می بینید؟

استاد: در این صدسال اخیر توجه به قرآن زیاد شده است. بین سالهای ۱۰۰۰ تا ۱۳۰۰ هجری، کار قرآنی، اعم از تفسیر و تحقیق، خیلی کم است. آن مقدار کمی هم که هست، بیشتر جنبه خبری و روایتی دارد، بعد تحقیق در آنها خیلی کم است. از اوایل قرن چهاردهم به بعد، جهان اسلام، توجه بیشتری به قرآن کرد.

در مقدمه ای که بر تفسیر «تبیان» نوشته ام، از تفاسیر مهم و



مبین: به نظر شما در حال حاضر، چه ابعاد و جنبه هایی از قرآن باید بیشتر مورد توجه و تحقیق قرار گیرد؟

استاد: قرآن دریایی است که هر کسی می تواند گوهر گمشده خود را از آن بیرون بکشد. هدایت گری است که به عصر خاصی و یا گروه ویژه ای اختصاص ندارد. قرآن به همه عصرها و همه نسلهای تعلق دارد. اما در عین حال در هر زمانی، از یک نظر مورد توجه بوده است؛ مثلاً: در چند قرن اول اسلام، بیشتر تفاسیر، جنبه لغوی دارند و منحصر به بحثهای بلاغی است. کم کم از عصر شیخ طوسی به بعد و یک مقدار پیش از ایشان، به قسمتهای دیگری از معارف قرآن توجه شده است.

بشر در هر دوره ای به اقتضای نیازهایی که دارد، به سمت قرآن می رود. ما الان در زمانی هستیم که جنگ فرهنگهاست، جنگ عقاید و افکار است. چون دیگر نزاع مسلحانه محکوم شده و بشر این راه را مسدود می بیند. امروز، تضارب عقیدتی و نزاعهای فکری، جای آن جنگهای خونین را گرفته است. در چنین عصر و زمانی، آنچه برای استفاده بیشتر از قرآن، برای ما اهمیت دارد، بحثهای معارفی و فکری است؛ باید دید قرآن، خداوند و جهان و بشر را چگونه معرفی می کند، نظرش در مورد نظامهای حکومتی، اقتصادی، فلسفی ... چیست.

آموزشهای اخلاقی و اجتماعی و سیاسی قرآن برای جهان و بشر امروز، به خصوص قشر تحصیل کرده، مهم است.

انتشار تفسیر «المیزان»، تحول بزرگی در تفسیرنگاری پدید آورد

اخیراً هم کامپیوتر به خدمت گرفته شده و یک شتابی به کارها داده است. اگر استفاده از کامپیوتر در علوم قرآنی وسعت و عمق بیشتری بگیرد، موفقیتهای چشم گیری نصیب خواهد شد. به هر حال حافظه و قدرت احضار مطالب در کامپیوتر به مراتب بیشتر از بشر عادی است.

بشر در هر دوره ای به اقتضای نیازهایی که دارد، به سمت قرآن می رود. ما الان در زمانی هستیم که جنگ فرهنگهاست، جنگ عقاید و افکار است. نظام فکری منسجم که ضروریترین نیاز بشر است، تنها از قرآن قابل استفاده است.

معظمی که در قرن اخیر، توسط شیعه نوشته شده است، نام برده ام و مقداری راجع به خصوصیات هر کدام از آنها، توضیح داده ام.

توجه به قرآن، بعد از یک دوره فراموشی و غفلت، بار دیگر در تمام مراکز اسلامی احیا شده است. در مصر، مراکش، الجزایر، عراق، سوریه، و بخصوص در ایران، یک اهتمام آشکاری نسبت به قرآن، دیده می شود. انتشار تفسیر «المیزان» تحول بزرگی در تفسیرنگاری پدید آورد. یعنی واقعاً یک افقی از قرآن به روی ما گشوده شد که پیش از این نمایان نبود. الان هم، تحقیقات قرآنی به صورتهای مختلف ادامه دارد، هم در حوزه و هم در دانشگاه. بعضی از نظر لغت و ریشه کلمات کار می کنند؛ بعضی در زمینه نظم و ترتیب آیات تحقیق دارند؛ یک عده ممکن است روی جنبه های علمی قرآن تأمل داشته باشند، خلاصه بازار قرآن شناسی از جهانی نسبتاً گرم است. البته نه به آن مقدار که لازم است، چون خیلی بیش از اینها باید سرمایه گذاری کرد، ولی همان طور که عرض کردم نسبتاً بهتر شده است.

اخیراً هم کامپیوتر به خدمت گرفته شده و یک شتابی به کارها داده است. اگر استفاده از کامپیوتر در علوم قرآنی وسعت و عمق بیشتری بگیرد، موفقیتهای چشم گیری نصیب خواهد شد. به هر حال حافظه و قدرت احضار مطالب در کامپیوتر به مراتب بیشتر از بشر عادی است.

الحمدلله در دانشگاهها روحیه کار جمعی حاکم است و تقریباً همه به این نتیجه رسیده اند که تنهایی نمی شود چندان، جلو رفت. اساتید و محققین دانشگاهی به ضرورت یک کار عمیق و گسترده بر روی قرآن پی برده اند، اما نباید کار را از صفر شروع کرد. چون به هر حال صدها سال است که در حوزه و غیرحوزه، کارهایی شده و حیث است که این حجم عظیم کار، نادیده گرفته شود

مبین: حضرتعالی در بعضی از نوشته هایتان، بطور مبسوط راجع به مقدمات فهم و تفسیر قرآن، بحث کرده اید. اگر ممکن است این موضوع را برای ما نیز، تشریح بفرمایید.

استاد: اصولاً فهم هر چیزی محتاج به مقدماتی است. ما در عین حال که اعتقاد داریم، قرآن برای همگان است و همه می توانند از این منبع فیض، بهره ببرند، ولی این بدان معنا نیست، فهم قرآن به هیچ مقدمه ای متوقف نباشد. خود قرآن

حتی آشنایی هم که زبانشان عربی است، برای فهم قرآن به دقت و امعان نظر بیشتر در زبان خودشان، نیاز دارند

بارها به «عربی مبین» بودن خود، اشاره کرده است. عربی آشکار بودن قرآن، یعنی بدون دانستن ظرائف و لطائف این زبان، نمی توان به نظامهای قرآن پی برد. حتی آشنایی هم که زبانشان عربی است، برای فهم قرآن به دقت و امعان نظر بیشتر در زبان خودشان، نیاز دارند. من در اینجا به اهم مقدماتی که برای تفسیر قرآن نیاز است، اشاره می کنم. با این تذکر که، مفصل این مبحث را در جلد سوم «منشور جاوید» آورده ام.

اولین قدم، آشنایی با قواعد زبان عربی است. تمییز فاعل از مفعول، ظرف از مظروف و هزارویک نکته دیگر که برای فهم ظاهری قرآن، ضرورت دارد، تنها بعد از آشنایی با این زبان است. گاهی اشتباه مفسر، معلول بی دقتی در معنی لغوی الفاظ است. اینها به تبحر در زبان عربی نیاز دارد. البته تخصص آنچنانی ضرورتی ندارد.

گام بعد، بدست آوردن معانی مفردات قرآن است. چون به هر حال، همین مفردات هستند که یک آیه یا یک سوره را تشکیل می دهند. در ضمن نباید بر مفاهیمی که از مفردات آیات، در ذهن داریم، اعتماد کنیم. چون مسلماً در اثر مرور زمان، در معانی الفاظ، دگرگونی پیدا شده و چه بسا، بدست آوردن معانی الفاظ، مطابق عصر نزول قرآن، احتیاج به مجاهدتهای مستمر علمی داشته باشد.

سیاست اسلام در سوره محمد(ص) پی ریزی شده، اخلاق اسلام در سوره حجرات و معارف اسلام در سوره حدید آمده است. نظام فکری منسجم که ضروریترین نیاز بشر است، تنها از قرآن قابل استفاده است؛ البته اگر دنبال سعادت بشر باشیم، آن هم سعادت است که انسان را تا آخرت همراهی کند.

مبین: در بین سخنانتان، به کارآمد بودن کامپیوتر اشاره کردید، نظر حضرتعالی راجع به کامپیوتری کردن تحقیقات قرآنی چیست؟

استاد: با تواناییهایی که کامپیوتر دارد، خیلی از بارها از دوش محقق برداشته می شود. یک دستگاه کامپیوتر می تواند به منزله حافظه و نیروی احضار مطالب گسترده برای محقق قرآنی باشد. چون توانایی انسان، ولو اینکه نابغه باشد، محدود است، کامپیوتر، این محدودیتها را برمی دارد. تجربه هم نشان داده که این دستگاه، خیلی مفید است و حقیقتاً سنگینی کار تحقیق را مقداری بردوش می گیرد. البته آشنایی که با این اختراع بسیار مفید، آشنایی دارند و سالها با آن کار کرده اند، بهتر می توانند اظهار نظر کنند و از فواید آن سخن بگویند:

مبین: توصیه شما به مراکز تحقیقی آموزشی، خصوصاً دانشگاهها، برای اینکه بتوانند در زمینه های قرآنی و تحقیقات وابسته به قرآن، پیشرفت مطلوبی داشته باشند، چیست؟

استاد: تا وقتی که بر کلیدهای تفسیر و فهم قرآن، دسترسی نباشد، هیچ پیشرفتی در این زمینه نخواهد بود. مراکز دانشگاهی، ابتدا باید این کلیدها را بدست آورند، بعد هم با ابزار و تکنیکهایی که دارند، به پیشرفت مطلوب نایل شوند. الحمدلله در دانشگاهها روحیه کار جمعی حاکم است و تقریباً همه به این نتیجه رسیده اند که تنهایی نمی شود چندان، جلو رفت. اساتید و محققین دانشگاهی به ضرورت یک کار عمیق و گسترده بر روی قرآن پی برده اند، اما نباید کار را از صفر شروع کرد. چون به هر حال صدها سال است که در حوزه و غیرحوزه، کارهایی شده و حیث است که این حجم عظیم کار، نادیده گرفته شود.

منشور جاوید قرآن

جلد سوم

استاد جعفر سبحانی

از لغزشگاههای خطرناک در امر تفسیر همین است که يك آیه با قطع نظر از آیات مشابه تفسیر شود. همین بی‌مبالایی در تفسیر بود که موجب پیدایش مذاهب و عقاید رنگارنگ شد

بررسی آیات، با موضع گیری قبلی، آفت بزرگ تفسیر است. مفسر باید کمال بی طرفی را در فهم قرآن رعایت کند. والا قرآن را تفسیر نکرده بلکه افکار خود را بر آن تحمیل کرده است

ضرورت دیگر آشنایی با آراء و نظریات دیگران است. در یک عصری، فهم مقاصد قرآن نیازی به مطالعه تفسیرها و آراء دیگران نبود. اما الان به خاطر فاصله زمانی ما با آن عصر و مفقود شدن بسیاری از قرائن و احادیث، باید پیش از پیش به حرفهای مختلفی که متقدمین زده اند، توجه کرد.

از اینها گذشته حتماً باید از پیشداوری پرهیز کرد. بررسی آیات، با موضع گیری قبلی، آفت بزرگ تفسیر است. مفسر باید کمال بی طرفی را در فهم قرآن رعایت کند. والا قرآن را تفسیر نکرده بلکه افکار خود را بر آن تحمیل کرده است.

آگاهیها و مطالعات مفسر، باید خیلی وسیع و عمیق باشد. مخصوصاً از تاریخ صدر اسلام حتماً باید اطلاعات دقیقی داشته باشد. حوادثی مانند هجرت و غزوات و روزهای مهم، باید همیشه در هنگام تفسیر، ذهن مفسر را مشغول کند.

غیر از تاریخ، دست داشتن در آراء و ایده های فلسفی و علمی هم ضرورت دارد. این نوع آگاهیها، موجب شکوفایی ذهن است برداشتهای عمیق از قرآن، از اذهانی ساخته است که قبلاً با مباحث فکری و عقلی دست و پنجه نرم کرده باشد. آگاهی از اندیشه های فلاسفه بزرگ اسلام درباره توحید و صفات و افعال خدا و مسایل مربوط به مبدأ و معاد، ذهن مفسر را آماده تر می کند. از جهان علم و دانش هم نباید غافل بود. چون خلاصه اینها هم امور حقی هستند که در اطراف ما می گذرند.

آخرین مطلبی که می خواستم در این رابطه تذکر دهم، استفاده از خود قرآن برای تفسیر قرآن است. شیوه تفسیر قرآن به قرآن، شیوه قابل اعتمادی است. قرآنی که خود را بیانگر هر چیزی می داند، یقیناً مبین خود نیز هست.

البته مقدمات دیگری هم هست که همان طور که گفتیم در

بهترین کتابی که می تواند در این مورد، مفسر را کمک کند کتاب «المقایس» نوشته احمد بن فارس بن زکریاست. به شان نزولها هم باید خیلی توجه کرد. قرآن مجید در ظرف ۲۳ سال به دنبال یک سلسله حوادث و سوالات، نازل شده است. آگاهی از شان نزولها، از آیه مفهوم روشنی، پیش رز می گذارد. البته همه آنچه که به عنوان شان نزول نوشته اند، قابل اعتماد نیست. موازینی است که در جای خود از آنها بحث شده است.

مرحله بعد، «مراجعه به احادیث صحیح» است. مثلاً همین آیات احکام حتماً باید با توجه به احادیثی که ذیل آنها وارد شده، مورد استفاده مجتهد قرار گیرد. غالب این آیات که تعدادشان کم هم نیست، توسط روایات یا مقید شده اند یا تخصیص خورده اند. اینکه سنت، مفسر آیات قرآن است، اجماعی و مورد اتفاق همه است.

«همانگی مجموع آیات» همیشه باید مدنظر باشد. مفسر و کسی که می خواهد فهم درستی از قرآن به چنگ آورد، نباید آیه یا آیه هایی را جدا از مجموعه قرآن در نظر بگیرد. قرآن یک مجموعه واحدی است که هدف واحدی را تعقیب می کند. از لغزشگاههای خطرناک در امر تفسیر همین است که یک آیه با قطع نظر از آیات مشابه تفسیر شود. همین بی مبالایی در تفسیر بود که موجب پیدایش مذاهب و عقاید رنگارنگ شد.



جامعه اسلامی در هیچ امر مثبتی عقب نمی ماند؛ مگر اینکه توجه اش را به دین و قرآن کم کند. در آن صورت هر بلایی محتمل است

سفارش من به شما آن است که، همیشه در درجه اول مخاطبین نشریه را در نظر بگیرید، تا مطالب، مطابق ذوق و ظرفیت و اندیشه های آنها باشد

بعضی از نوشته هایم آورده ام. مثل آگاهی از قصص و تاریخ انبیا و داشتن اطلاعات کافی از تاریخ و محیط نزول قرآن. اینها مقدماتی است که بدون آنها، کسی موفق به تفسیر و برداشت صحیح و یا عمیق از قرآن نخواهد شد. برخی از این شرایط لازم و برخی مفید است.

مبین: اینکه قرآن پامسخگویی همه نیازهای بشری است، سخن مقبول و غیر قابل انکاری است. چون اسلام، آخرین آئین و قرآن آخرین پیام مکتوب خداست. قرآن در واقع اجابت همه پرسشها و حاجات بشری است. اگر ممکن است قدری راجع به این موضوع صحبت بفرمایید.

استاد: ابتدا باید دید قرآن به چه منظوری آمده است. قرآن کتاب هدایت و تربیت است، منشور قانون و معارف است. پس هر چه که مربوط به هدایت و تربیت و قانون و معارف باشد، از قرآن برآورده می شود. اما اموری که خارج از مسائل مذکور باشد، اساساً به قرآن مربوط نمی شود. مثلاً کیهان شناسی، زیست شناسی، شیمی و ...

قرآن، جامعه را نظام می دهد، آن را قانونمند می کند و زمینه های رشد در هر امری را آماده می سازد. طبیعتاً در چنین جامعه ای، همه علوم در حد مقبولی رشد خواهند کرد. جامعه اسلامی در هیچ امر مثبتی عقب نمی ماند؛ مگر اینکه توجه اش را به دین و قرآن کم کند. در آن صورت هر بلایی محتمل است.

اگر نیازهای اساسی بشر برطرف شوند، خود به خود، نیازهای دیگر هم برآورده می شوند. حضرت امیر(ع) می فرمایند: «لا اوصیکم بالدنیا» یعنی شما را به دنیا سفارش نمی کنم؛ چون شما فطرتاً به دنیا سفارش شده اید و دنیا طلبی در

طبیعت شماست. قرآن هم می گوید: «زین للناس حُبُّ الشَّهَوَاتِ»؛ یعنی: شهوات که جوهره دنیا است برای مردم زینت داده شده است. پس احتیاجی به توصیه و سفارش ندارد.

آنچه که در دسترس بشر نیست و بطور عادی انسانها به آن نمی رسند. سفارش قرآن است. هدایت فردی و اجتماعی و نظام سیاسی و اخلاقی اینها باید توصیه و بنیان گزاری شوند، که در قرآن چنین مهمی صورت گرفته است.

فکر می کنم همین مقدار بحث، فعلاً برای خوانندگان مجله قرآنی شما کافی باشد. سفارش من به شما آن است که، همیشه در درجه اول مخاطبین نشریه را در نظر بگیرید، تا مطالب، مطابق ذوق و ظرفیت و اندیشه های آنها باشد. تا خواننده در نظر گرفته نشود، مجله انسجام پیدا نمی کند. ان شاء الله موفق باشید.

مبین: از اینکه وقتتان را در اختیار ما قرار دادید، بسیار متشکریم. از خداوند برای شما سلامتی و توفیق در ادامه تحقیق و تالیف، مسئلت داریم.

والسلام

